مطالعات محیطی هفت حصار شماره سی‌وششم/ سال دهم/ تابستان ۱۴۰۰
صفحات ۱۶۰-۱۴۷

تبیین مدل مفهومی معنای نماهای آپارتمان‌های مسکونی از دیدگاه ساکنان (مطالعه موردی: شهر اردبیل)[۱]

معصومه عالم راثی*، قاسم مطلبی**، منوچهر فروتن***، سارا جلالیان****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۶
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۵/۱۲

چکیده

نمای بنا از مهمترین عنصر در شکل‌پردازی یک بناست و بر حس ارزیابی ناظران از کلیت کالبد تأثیرگذار است. نمای بناها در ارتباط مستقیم با ساکنان بنا است که لازم است واجد مؤلفه‌های معنادار محیطی باشد تا زمینه ادراک و خوانش مطلوب را برای ساکنان فراهم آورد. امروزه ادراک معانی نماها بیشتر در حوزه شهرسازی مورد توجه قرار گرفته و معانی نماها در مقیاس معماری و از دید ساکنان بناها کمتر مورد پژوهش متخصصان عرصه معماری قرار گرفته است. لذا پژوهش حاضر در پی ارائه مدل مفهومی از معنای مؤثر بناهاست. از همین‌رو پژوهش می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که مدل مفهومی معنای آپارتمان‌های مسکونی اردبیل از دیدگاه ساکنان چیست؟

این پژوهش دارای رویکردی ترکیبی است. بخش کیفی با استفاده از روش نظریه داده بنیاد و بخش کمی با استفاده از تحلیل همبستگی انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در بخش کیفی مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ساکنان اردبیل بوده است و در بخش کمی، پرسشنامه محقق‌ساخت بوده که روایی و پایایی آن بررسی شده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار مکس‌کیودا استفاده شده است و با استفاده از شیوه کدگذاری باز، محوری و انتخابی، داده‌ها تجزیه و تحلیل شدند. پس از استخراج عوامل مؤثر بر معنا در نما، مدل مفهومی معنای نماهای آپارتمان‌های مسکونی اردبیل تبیین شده است. عوامل مختلفی در معنادهی نما مؤثرند که این معناها در بستر عوامل کالبدی، عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر شکل می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل عوامل مؤثر در معنادهی نماهای آپارتمان‌های مسکونی که بر مبنای نظر ۲۵ نفر از ساکنان صورت گرفت، به شناسایی عوامل سازنده معنا در نما منجر شد که در قالب مدل مفهومی ارائه شده است. با توجه به یافته‌های بدست آمده از تحلیل همبستگی و تحلیل کمی، می‌توان بیان نمود که روایی مدل مفهومی و روابط عوامل آن به‌طور کلی مورد تأیید قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

معنای نما، آپارتمان‌های مسکونی اردبیل، نظریه داده بنیاد، نما

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین مدلی جهت ارزیابی معنای نماهای آپارتمان‌های مسکونی از دیدگاه ساکنان و شهروندان (مطالعه موردی: آپارتمان‌های شهر اردبیل)» به راهنمایی نگارنده دوم و سوم و مشاوره نگارنده چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان است.

* دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. m.alamrasi@iaurmia.ac.ir
** دانشیار، گروه معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. motalebi@ut.ac.ir
*** استادیار، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول) m.foroutan@iauh.ac.ir
**** استادیار، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. jalaliansara@yahoo.com

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]

مقاله پژوهشی- مورد پژوهی

©: IAUH

ISSN: 2322-5602
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]

مقدمه

نما به معنای صورت ظاهر، منظره خارجی ساختمان است (معین، ۱۳۸۷: ۱۱۲۹). این واژه، در لغت‌نامه دهخدا بـه معنـای منظـره خـارجی بنـا و عمارت، آنچه در معرض دید و برابر چشم است، تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۴۵: ۷۷۱). منظور از نما، جبهه خارجی ساختمان است که از لحاظ معماری جلو ساختمان می‌باشد و گاه با جزئیات پرتکلف معماری از جبهه‌های دیگـر سـاختمان متمـایز شـده اسـت (هـاریس، ۱۳۹۳: ۴۳۷). در پژوهش حاضر منظور از نما، فاساد[1] می‌باشد. ریشه لغوی کلمه فاساد از کلمه لاتین فیسیز[2] است که مترادف با کلمه فـیس[3] بـه معنـی چهـره، صورت و ظاهر می‌باشد. بنابراین اگر ما راجع به چهره یک ساختمان یعنی نمای آن صـحبت کنـیم، منظورمـان تمـامی قسـمت‌هـای جلـویی ساختمان است که روبروی خیابان قرار دارد (کریر، ۱۳۸۰: ۶۶).

نمای ساختمان مهمترین عنصری است که معماری آن را بیان می‌کند (توسلی، ۱۳۷۶: ۸۱) و یکـی از مهمتـرین اجـزا بصـری شـهر مـی‌باشـد (Mutlu Danaci, Kiran, 2020: 223). در واقع بخش مهمی از تصویرپردازی هنرمندان معمار و هنرهای تجسمی در نمـا تحقـق مـی‌یابـد (معماریان، ۱۳۹۳: ۱۷۶). نما، چهره ساختمان است که قابلیت بیان عملکرد و اهمیت آن را دارد (کریر، ۱۳۷۶: ۵۰). سازمان فضایی یا همان نظـام موجود در میان عناصر و اجزا شکل‌دهنده فضا، نقش مهمی در ادراک معانی و مفاهیم فضا برعهده دارنـد (سـلطانی مهـرداد، ۱۳۹۱). عـلاوه بـر سازمان فضایی داخل بنا، نمای بنا هم نقش مهمی در انتقال و دریافت معانی به‌عهده دارد. نما به عنوان یک کل است که از عناصـری منفـرد ساخته می‌شود. پس یکی از خصوصیات آن قابلیت بیان تک‌تک عناصر منفرد آن می‌باشد که هر یک از آنها موجـودیتی پرمعنـا دارنـد (کریـر، ۱۳۸۰: ۶۸). استرن علاقه خود را به نماها که حاملان معنای معماری‌اند، بیان می‌کند (نسبیت، ۱۳۹۴: ۱۲۹). نمای ساختمان‌هـا بـه‌صـورت یـک صفحه نمایش ترکیبات معماری ظاهر می‌گردد. ترکیب‌های معماری حاوی نوعی معنا هستند و ازاین‌رو قادرند که خیال آدمی را تحریک نمایند و با وی ارتباط برقرار کنند (خاک زند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶).

نمای خانه تصویر عمومی قابل ارائه فرد به جامعه است (لنگ، ۱۳۸۶: ۲۳۲) و نقش مؤثری بر احساس و ادراک شهروندان دارنـد (Hollander, Anderson, 2020). نمای خارجی ساختمان، اولین فضایی است که افراد در هنگام نزدیک شدن به بنا بـا آن مواجـه مـی‌شـوند و عناصـر آن (هندسه، الگو، بافت، جزئیات) آن را می‌بینند و به طور مداوم آن را تجربه می‌کنند (Lee, Ostwald, 2021: 1). همچنین به عنوان واسط بـین فضاهای داخلی و خارجی مورد ارزیابی بصری شهروندان می‌باشد و ادارک افراد تحت تأثیر تصویر بصری ایجاد شده از نمای سـاختمان شـکل می‌گیرد (Yammiyavar, Roy, 2019: 223). نمای بناها بر حس ارزیابی ناظران از کلیت کالبد تأثیرگذار است. چه طراحـان بخواهنـد و چـه نخواهند، مردم اماکن را بر مبنای معانی مترتب بر آن تعبیر و تفسیر می‌کنند (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۷). نمـای بنـا بـر تمـام ابعـاد محـیط کالبدی و ذهنی افراد تأثیر می‌گذارد (Moughtin et al., 1995) و تصور ذهنی شـهروندان از بناهـا، بـر مبنـای نماهایشـان شـکل مـی‌گیـرد (Imamoglu, 2000). سبک معماری، رنگ، حجم، ارزش ادراکی، مصالح، اشکال و عناصر حجیم بصری، فـرم هـا، سـطوح و نورهـا، خطـوط منحنی، جزئیات تزئینی، ظرافت و قریحه‌ها، اجزا و بافت، در تصویر ذهنی نمای ساختمان‌ها مؤثرند. نمای بنـا و مقیـاس مـورد اسـتفاده در آن نقش ساکنان خانه را در محیط بیرونی نشان می‌دهد (لاوسون، ۱۳۹۴: ۵۳). از دیدگاه تریب، نماها در عمل مانند فیلم، پشت‌سرهم ظاهر شده، به صورت پیوسته دیده می‌شوند که بالطبع تأثیرهای حسی ویژه خود را بر ناظر دارد (پاکزاد، بـزرگ، ۱۳۹۳: ۱۴۷) و نقـش مهمـی در معنـادهی بـه محیط ایفا می‌کنند.

امروزه به دلیل عدم وجود دانش بصری مناسب و همچنین تأثیرات شدیدی کـه کـارکردگرایی مدرنیسـم بـر شـهرها گذاشـته اسـت، موجـب ناهنجاری بصری بر محیط شهری شده است (پورجعفر، علوی، ۱۳۹۱: ۱۶). نابسامانی نما، منحصر بـه سـاختمان‌هـای مسـکونی نیسـت و کلیـه ساختمان‌ها را دربرمی‌گیرد. ولی ساختمان‌های مسکونی بیشترین عناصر و تأثیرگذارترین عوامل منظر یک شهر می‌باشـند (پـاکزاد، ۱۳۸۲: ۵۱). راپاپورت علت شکست طرح‌های معاصر را دربرآوردن نیازهای روحی و روانی شهروندان اعلام می‌دارد که پژوهش‌های روانشناختی ثابت کرده است که تفاوت‌های بسیاری میان طراحان و بهره‌وران در واکنش نسبت به محیط و ترجیح‌های محیطیشـان وجـود دارد؛ زیـرا برخـی تصـاویر ذهنی آنها با یکدیگر متفاوت است. بنابراین از آنجا که بهره‌وران اصلی فضا، مردم عادی هستند- و نه طراحان- باید در طراحی مکـان هـا بـه معانی موجود در ذهن شهروندان توجه کرد (راپاپورت، ۱۳۹۲: ۱۱). از دید یک طراح معمار، طراحـی نمـای سـاختمان مسـئله مهمـی اسـت کـه می‌تواند بر ادراک آن در بیننده تأثیرگذار باشد. طراحان برای کشف درون‌مایه تصویر ذهنی مردم از فضاهای کالبدی کوشیده‌اند تـا بـه کمـک تکنیک‌های مختلفی چون: مصاحبه و کنکاش درباره چگونگی جهت‌یابی و جهت‌گیری افراد در مکان و یا خواستن از مردم برای ترسیم کردن نقشه‌ای از مکان مورد پژوهش، آن‌گونه که در ذهن دارند، تصور ذهنی مردم از مکان را کشف کنند (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بیشتر در حوزه شهری بوده است و نمای ساختمان از منظر شهروندان بیرون از بنا دیده شده است. در این پژوهش‌ها جنبه معماری آن کمتر مورد توجه بوده است و آن چه رابطه درون و جلوه بیرونی بنا که همان نما می شود را می‌تواند به هم پیوند دهد، معنای نما از دیدگاه ساکنان می‌باشد که هم به جلوه بیرونی نما و هم تأثیرات آن در درون بنا را دربرمی‌گیرد. بخش بزرگی از بافت‌های شهری را بافت و بناهای مسکونی تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر امروز در شهرهای بزرگ و متوسط بخش بیشتر ساختمان‌های مسکونی را گونه آپارتمانی تشکیل می‌دهد که این امر سبب شد این پژوهش در پی تبیین مدل مفهومی نماهای آپارتمان‌های مسکونی از دیدگاه ساکنان بپردازد. با توجه به این که نظریه و مدل مشخصی در این زمینه وجود نداشت و عوامل مؤثر هم به طور کامل بررسی نشده است و گمان می‌رود که عوامل زمینه‌ای مانند فرهنگ و وضعیت اجتماعی و اقتصادی بر موضوع مؤثر باشند، روش نظریه داده بنیاد[۴] (نظریه برخاسته از زمینه یا زمینه‌ای) به کار رفته است. قلمرو پژوهش (جامعه آماری) آپارتمان‌های مسکونی شهر اردبیل، به دلیل سکونت پژوهشگر در اردبیل و مشاهده مشارکتی در روند اجرای پژوهش و مصاحبه با ساکنان، به عنوان نمونه موردی انتخاب شده است.

چارچوب نظری

پژوهش گسترده‌ای در حوزه معنا در معماری انجام گرفته است. امروزه ادراک معانی نماها بیشتر در حوزه شهرسازی مورد توجه قرار گرفته (لینچ[۵]، ۱۳۹۵؛ بنتلی[۶]، ۱۳۸۵؛ کارمونا[۷]، ۱۳۹۴) و معانی نماها در مقیاس معماری کمتر مورد پژوهش متخصصان عرصه معماری قرار گرفته است. رویکردهای مختلف معماری، بر وجه خاصی از معنا تأکید داشته‌اند. برخی از اندیشمندان بر جنبه ذهنی معنا و برخی به هر دو جنبه عینی و ذهنی تأکید داشته‌اند. هرشبرگر دو معنا را برای تعیین معانی فضایی قائل است: معنای عینی و ذهنی (Hershberger, 1980). از دیدگاه وایت معنی، حاصل ادراک ناظر است (Whyte, 2006). از نظر رلف[۸]، معنا را باید در تصویرهای ذهنی و تجربه فضایی جستجو کرد (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۹). گرچه معانی مکان ریشه در محل فیزیکی و فعالیت درون آن دارد، اما انتظارات اولیه و تجربیات انسان به‌عنوان ناظر و استفاده‌کننده فضا نقش عمده‌ای دارد. بنابراین محیط نمایانگر ساخته‌های ذهنی ماست (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۸). شولتز[۹]، معنای محیط را موجب تصویر ذهنی روشن که سبب هویت مکان می‌گردد، می‌داند (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۵: ۱۰۸). او مهمترین رکن ادراک معنای مکان را تجربه می‌داند (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۴: ۱۳). آلتمن[۱۰]، معنای محیط، غنا و پیچیدگی را الگوهایی می‌داند که پژوهشگران و طراحان رو به این الگو (الگوهای ادراکی شناختی) آوردند و با استفاده از پرسشنامه و شیوه نقشه‌های ذهنی، پی به برداشت ذهنی افراد از محیط شدند (Altmnan, 1992). هلمار فرانک[۱۱] که یکی از بنیان‌گذاران نظریه اطلاعات است، بیان می‌کند: «نمای یک ساختمان بایستی حداقل یک‌بار امکان تشکیل طرحواره را به بیننده بدهد یا به عبارت دیگر بایستی حداقل دو سطح از سطوح ادراکی را مخاطب قرار دهد» (گروتر، ۱۳۹۰: ۹۸). تریب[۱۲]، معنا را به عنوان عامل مهمی در آفرینش کیفیت‌های بصری می‌داند (Trib, 1974: 81). در تعاریف او معنا، تجربه‌ای فردی یا گروهی از یک عینیت است. نمای ساختمان و طراحی داخلی آن، اغلب از این جهت مورد انتخاب قرار می‌گیرد که بازتابی از تصویر فرد از خودش هستند؛ هم به عنوان ذهنی و هم شخصی مرتبط با جامعه که تمایل به شناساندن خود به دوستان و خویشان خود هستند (وینترز و همکاران، ۱۳۷۹: ۶۷).

برخی اندیشمندان به وجه فرهنگی اجتماعی معنا پرداخته‌اند. به عقیده راپاپورت[۱۳]، مردم با کمک فرهنگ به محیط معنی داده و آن را معنی‌دار می‌کنند (راپاپورت، ۱۳۹۲). از دیدگاه مانزو[۱۴]، تجربه در مکان، معنا را ایجاد می‌کند (Scannell, Gifford, 2010: 2). بنا به اعتقاد او محیط دارای معانی مختلفی از معانی مثبت و منفی است که این معانی بسته به نوع تجربه یک محیط توسط افراد به دست می‌آید. گونه‌های مختلف تجربه محیط توسط افراد به‌پیش‌زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آن‌ها بستگی دارد (Manzo, 2005). نما هرگز تنها بیانگر احتیاجات طبیعی که سازمان‌دهی اتاق‌های پشت آن تعیین می‌کند، نیست. نما، موقعیت فرهنگی زمانی را بیان می‌کند که ساختمان در آن زمان ساخته شده است. نشان‌دهنده معیار نظم و نظم‌دهی و بیان‌کننده بناست (کریر، ۱۳۷۶: ۵۰). بنا به نظر استرن[۱۵]، معماری پاسخی است تاریخی و فرهنگی و بناها در طول زمان، معنا را بسط و توسعه می‌دهند (نسبیت، ۱۳۹۴: ۳۵-۳۶). برادبنت[۱۶] رویکرد معناشناختی را برای معماری مهم‌تر می‌داند (برادبنت، ۱۳۸۸: ۱۱۴). به گفته برادبنت: «بناها و ساختمان‌ها حامل معنایند. او معتقد است که قرارداد اجتماعی در معماری موردی غایب است و این غیاب، آن چیزی است که معماری را از زبان متمایز می‌کند (نسبیت، ۱۳۹۴: ۱۳۵). ریخت‌شناسی عامل تشخیص یک شهر از شهر دیگر است و همین عامل، تشخص و هویت شهر را نشان می‌دهد (Kropf, 1996). از نظر لینچ تحلیل تصویر ذهنی شهر مهم است (لینچ، ۱۳۹۵). ظاهر و نمای بناها در ایجاد کیفیت بصری، معنا و نوع استفاده از فضا تأثیر غیرقابل انکاری دارد (Moughtin, Tiesdell, 1999).

برخی دیگر از نظریه‌پردازان، در تبیین نظریه‌های خود به نقش معانی حسی تأکید داشته‌اند. معانی بناها نزد شهروندان می‌تواند از نوع احساسی و عاطفی باشد. مؤلفه‌هایی چون: انواع واکنش‌های هیجانی مانند: لذت، برانگیختگی و سلطه‌گری بخشی از این مواردند (لنگ، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]

ادراک معنایی ناشی از درهم‌تنیدگی بصری محیط است. معنا در ساده‌ترین جنبه خود، برابر با یک احساس مثبت یا منفی است. هنگامی‌که دو یا چند ساختار معنادار به‌صورت معناداری هم به یکدیگر پیوند یابند، ما شروع به نظامی از باورها می‌کنیم (سالینگروس، ۱۳۸۷: ۲۷۱). از دیدگاه بتنلی و همکاران معنای موجود در محیط توسط دو مؤلفه غنای حسی و حس تعلق سنجیده می‌شوند (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۵) که ریشه در سابقه ذهنی افراد دارد. معنا پارامتری است که تأکید آن بیشتر از فرم ظاهری محیط بر ویژگی‌های ذهنی افراد است؛ با توجه به تعاریف یاد شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که معنابخشی مقوله‌ای مرتبط با ادراک فضا و ادراک امری مرتبط با ذهن و ساختارهای احساسی، فرهنگی و اجتماعی فرد در رابطه با ویژگی‌های کالبدی فضاست که با جهت‌دهی به ذهنیت مخاطب زمینه را برای دریافت معنادار مخاطبان از فضا فراهم می‌کند.

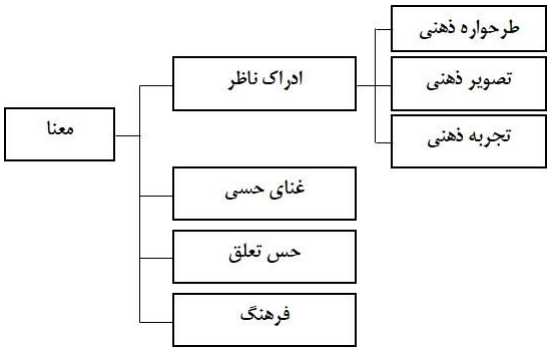

تصویر ۱- چارچوب نظری پژوهش

روش تحقیق

یکی از روش‌های کیفی مفید در مطالعات معماری نظریه داده بنیاد است. در این روش محقق، پژوهش را با یک نظریه از پیش پذیرفته شده آغاز نمی‌کند و کار خود را با زمینه‌ای مطالعاتی آغاز نموده و اجازه می‌دهد نظریه از میان داده‌ها به تکوین برسد (گروت، وانگ، ۱۳۹۴: ۱۸۱). در نظریه داده بنیاد، پیش از آن که نظریه به تکوین برسد، می‌بایست عمل مشاهده، گردآوری داده‌ها و ساماندهی آنها در روندی تعاملی انجام پذیرد. می‌توان نظریه‌بنیاد را یک روش تحقیق کیفی که مجموعه منظمی از رویه‌ها را برای توسعه یک نظریه بنیادین برخاسته از استقرا در مورد یک پدیده به کار می‌گیرد، تعریف نمود (استراس، کوربین، ۱۳۹۳: ۲۳). روش نظریه داده بنیاد از روش‌هایی است که امکان شناخت منظم دیدگاه‌ها و معانی را از دیدگاه افراد در یک موقعیت خاص فراهم می‌کند. در این روش بر مصاحبه و مشاهده در تولید داده‌های تجربی، جذب محقق در میدان مطالعه، جلب اعتماد افراد مورد مطالعه تأکید می‌شود (لک، ۱۳۹۳: ۴۸).

از آنجا که میزان ژرف‌نگری محقق و امکان مصاحبه‌های عمیق با ساکنان، یکی از عوامل اصلی انجام پژوهش‌های کیفی است؛ معیار انتخاب نمونه‌های موردی، امکان حضور و مصاحبه مستمر محقق با ساکنان بوده است. از همین رو با اتکا به این روش، محقق با ۲۵ نفر از ساکنان آپارتمان‌های مسکونی اردبیل، ۱۶ نفر زن و ۹ نفر مرد، بین سنین ۱۸ تا ۶۵ سال، مصاحبه عمیق به صورت فردی صورت گرفته است. تنوع جنسیتی، سنی و شغلی ساکنان و مدت زمان سکونت ساکنان هم در انتخاب نمونه‌ها مؤثر بوده است (جدول ۱). با وجود پنج مصاحبه آخر مقوله جدیدی به یافته‌های پیشین اضافه نکرد، مصاحبه‌ها تا نفر ۲۵ ادامه یافت تا از اشباع نظری یافته‌ها اطمینان حاصل شود. اشباع نظری معیاری است که نویسندگان بر اساس آن تصمیم می‌گیرند فرایند جمع‌آوری داده را به دلیل عدم استخراج اطلاعات بیشتر و جدید متوقف نمایند (Belk, 2007). نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات هنگامی پایان می‌یابد که اشباع نظری یک مقوله یا گروهی از موردها حاصل شود (فیلیک، ۱۳۹۴: ۱۴۰). در مرحله نخست ۳۰ نمونه مطالعاتی به صورت تصادفی از کل مناطق اردبیل انتخاب شده‌اند. در ادامه به جهت کنترل مطالعه معیارهایی به منظور پالایش نمونه‌ها و انتخاب دقیق‌تر نمونه‌ها بر اساس شرایط مطالعه کیفی ۲۵ نمونه در نظر گرفته شد. این معیارها به همراه متغیرهای کنترلی به انتخاب دقیق و هدفمند نمونه‌های نهایی منجر شد. معیارهای انتخاب آپارتمان مسکونی بر اساس ویژگی‌های کالبدی و غیرکالبدی بنا صورت گرفت. از جمله معیارهای کالبدی موقعیت جغرافیایی در شهر و تعداد طبقات آپارتمان مسکونی و تنوع سبک می‌باشد. با توجه به گونه‌شناسی ساختمان‌های مسکونی در مناطق مختلف اردبیل، که دارای بافت قدیم در مرکز شهر و حاشیه‌نشین در مناطق شمالی است که بافت غالب این مناطق آپارتمان‌هایی با ارتفاع دو طبقه و در برخی مناطق به صورت مجتمع مسکونی می‌باشد. نواحی جنوب و جنوب‌غرب اردبیل که بافت نسبتاً جدید شهری است که بافت غالب این مناطق دارای آپارتمان‌های ۳ تا ۶ طبقه می‌باشد. این مناطق به لحاظ سطح فرهنگی – اجتماعی و اقتصادی دارای سطح بالا، متوسط، متوسط رو به پایین، متوسط رو به بالا است. بنابراین قابلیت مناسبی را برای

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]

مطالعه عمیق نمونه‌های موردی داراست و قابلیت تعمیم‌پذیری دارد. از آنجا که روند تغییرات الگوی مسکن معاصر به سمت آپارتمان‌نشینی و بلندمرتبه‌سازی پیش می‌رود و بخش عمده‌ای از گونه مسکن شهر اردبیل را آپارتمان‌های ۳ تا ۶ طبقه تشکیل می‌دهد که دارای سکونت و قابلیت مطالعه عمیق را داراست. بنابراین آپارتمان ۳ تا ۶ به عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب شده است. در انتخاب آپارتمان مطالعاتی تنوع سبک‌های بنا و موقعیت آپارتمان لحاظ گردید. مدت سکونت، سن افراد به عنوان معیار انتخابی غیرکالبدی است. از آنجا که تحقیق دربرگیرنده مفهوم عمیقی است که نمود آن در فضای کالبدی در تعامل ساکنان و محیط نیازمند درگیری ساکنان و محیط در طول زمان بوده و این مفهوم (شکل‌گیری معنا) در طول زمان شکل می‌گیرد؛ نمونه‌هایی مورد نظر این تحقیق قرار گرفته‌اند که ساکنان حداقل ۵ سال اخیر را در مکان فعلی خود سکونت داشته‌اند. با توجه به ماهیت تحقیق و لزوم مصاحبه عمیق از ساکنان، سن افراد جز معیارهای انتخابی در نظر گرفته شده است. به دلیل اهمیت استفاده از طیف‌های مختلف گروه سنی، به استثنا کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال که قادر به بیان مفاهیم و مصاحبه عمیق نیستند، بنابراین مصاحبه به لحاظ جنسیتی از دو گروه خانم و آقا و در بازه سنی ۱۸ تا ۶۵ سال انتخاب شده است. از جمله معیارهای کنترلی امکان برقرار ارتباط محقق با ساکنین، انجام تحلیل های فضایی و مطالعات عمیق، در نظر داشتن ایجابات انتخاب محل سکونت (شخصی، استیجاری) در نظر گرفته شده است (جدول ۲).

مصاحبه با حضور محقق در خانه ساکنان صورت گرفت و محقق نقش مشاهده مشارکتی در طی روند مصاحبه داشت و ترسیم پلان خانه و عکسبرداری از آن قبل از انجام مصاحبه صورت گرفت. روش انجام مصاحبه برای هر شرکت‌کننده تشریح شد. محقق در طی روند مصاحبه در جستجوی عوامل مؤثر بر معنای نمای آپارتمان مسکونی اردبیل، از مصاحبه شونده‌ها می‌خواست: به توصیف نمای آپارتمان مسکونی خود به شخصی که تا به حال آن را ندیده است، بپردازند. همچنین از تصاویر گرفته شده از نماهای آپارتمان‌های مسکونی مختلف اردبیل در خلال مصاحبه برای شفافیت موضوع استفاده شد. زمان مصاحبه از ۴۵ دقیقه تا یک و نیم ساعت بوده است. بعد از استخراج داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس‌کیودا صورت گرفته است که در قالب مدل مفهومی ارائه شده است.

جدول ۱- مشخصات کلی مشارکت‌کنندگان در پژوهش (معیارهای انتخاب غیرکالبدی)

جنسیت		سن				تحصیلات					شغل							مدت زمان سکونت		
زن	مرد	۱۸-۳۰	۳۰-۴۰	۴۰-۵۰	۵۰-۶۵	زیردیپلم و دیپلم	کاردانی - کارشناسی	کارشناسی‌ارشد	استاد دانشگاه	معلم (دبیر، مشاور)	آزاد (عکاس، مصالح‌فروش، ...)	شرکت‌های مهندسی	کارمند	خانه‌دار	دانشجو	دانش‌آموز	۵- ۱۰	۱۰-۱۵	۱۵- ۲۰
۱۶	۹	۷	۷	۳	۸	۶	۱۲	۷	۲	۴	۱	۲	۶	۴	۵	۱	۲۱	۴	۱

جدول ۲- مشخصات کلی نمونه‌های موردی (معیارهای انتخاب کالبدی آپارتمان)

منطقه		تعداد طبقات				سن بنا				موقعیت بنا									
										خیابان					کوچه				
منطقه ۲	منطقه ۲	۳ طبقه	۴ طبقه	۵ طبقه	۶ طبقه	۳- ۱۰	۱۰-۱۵	۱۵-۲۰		نبش جنوبی	شمالی	جنوبی	نبش جنوبی	شمالی	جنوبی	دور			
۲	۲۳	۷	۷	۲	۹	۱۷	۵	۳		۱	۴	۲	۱	۱۰	۶	۱			
نما	آجرسفالی	آجرنما	رومی	ترکیبی مدرن	سنگی طرحدار	سنگی ساده	کامپوزیت	شیشه سرتاسری											
	۲	۱	۲	۳	۵	۹	۱	۲											

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]

تحلیل داده‌ها

روند انجام پژوهش نظریه داده بنیاد، شامل مراحل زیر است:

اولین گام در نظریه داده بنیاد، تعیین موضوع است. سپس متن مصاحبه‌ها، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی شده و کدگذاری محوری انجام می‌شود و در نهایت با مشخص شدن روابط اجزا در کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی از آن استخراج و تئوری‌سازی انجام شده است. اولین گام تحلیل داده‌های کیفی در رویکرد سیستماتیک نظریه داده بنیاد، کدگذاری باز است. کدگذاری باز، فرایندی تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شوند. کدگذاری محوری، فرایند ارتباط مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها و پیونددادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است که در قالب مدل پارادایمی ایجاد گردید (استراس، کوربین، ۱۳۹۳: ۷۴). کدگذاری انتخابی آخرین مرحله کدگذاری است که در آن مقوله اصلی انتخاب شده و پیوند آن با دیگر مقوله ها مشخص می‌شود. تفسیر و بیان رابطه‌ها میان مقوله اصلی و دیگر مقوله‌ها با توجه به مدل ارائه شده پژوهش صورت می‌گیرد. چرا که در کدگذاری محوری اساس کدگذاری انتخابی پی‌ریزی می‌شود (شکل ۳) (استراس، کوربین، ۱۳۹۳: ۱۱۹). نتایج بدست آمده در کدگذاری در مدل پارادایمی در شکل ۴ آمده است.

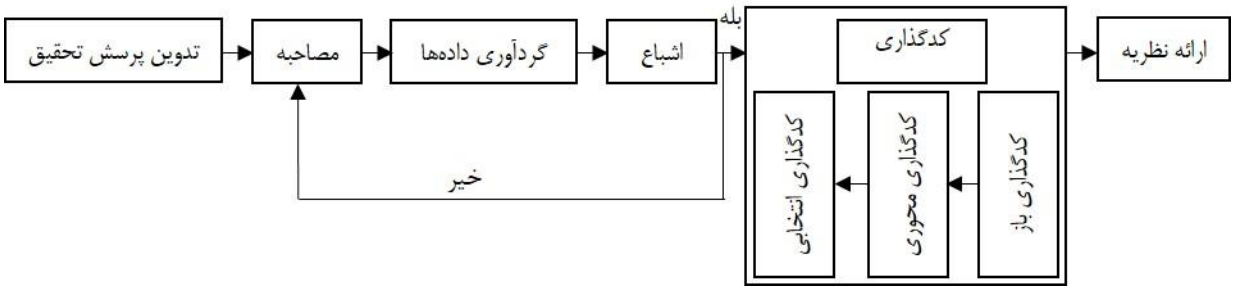

تصویر ۲- فرایند اجرای نظریه داده بنیاد

جدول ۳- کدگذاری باز- مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از متن مصاحبه‌ها

مقوله	زیرمقوله	مفهوم	داده‌ها	نمونه‌های موردی
عوامل اقتصادی	بازار مسکن	گران	«نمای خوب، هزینه‌بر است. نمایی که صاف نباشد، دارای پیشامدگی و تورفتگی باشد».	 نمای ترکیبی مدرن (شهرک آزادی)؛ نمای آجر قدیمی (خیابان میلاد ۲)
		بی‌لباس، فقر	«نمای آجر قدیمی و بدون نما حالت نوستالژی دارد؛ قدیمی و بی‌لباس است. فقر را نشان می‌دهد».	
فرهنگی اجتماعی	هویت	هویت‌دروغین، بی‌هویت، کپی‌برداری	«نمای کلاسیک از نظر من افتضاح است. چون فکر می‌کنم ساختمان هایی که مثلاً در اروپا ساخته می‌شوند، دیوارهایشان هم سنگ است. آن سنگ را تراش داده‌اند. ولی ما ساختمانی از آجر و بتن می‌سازیم، بعد به آن یک هویت ساختگی می‌دهیم. مثلاً یک نمای ساختگی و برای این که ثروت خودمان را نشان دهیم و بگوییم ما خیلی داراییم. وضعمان عالی است. این نماها حس بدی به من می‌دهد».	 نمای رومی (خیابان شهریار)؛ نمای رومی (آزادگان)
	تجمل‌گرایی	تجملات، خودنمایی	«نمای کلاسیک احساس تجملات بیش از اندازه به من دست می‌دهد. دوست ندارم. نمای کلاسیک تجملاتی است. نمای کلاسیک قدرتمندی در عین حال قدرت را به رخ کشیدن است. مظهر خودنمایی است».	
	محرمیت	دلگیر، غیرجذاب	«نماهایی که کاور تراس دارند، اصلاً خوشم نمی‌آید؛ احساس می‌کنم خانه و نما دلگیر می‌شود؛ کل جذابیت نما را زیر سؤال می‌برد».	 نمای مرمر (کارشناسان)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]

مقوله	زیرمقوله	مفهوم	داده‌ها	نمونه‌های موردی
عوامل محیطی	اقلیم	کثیف، بی‌کیفیت، شرکت	«با توجه به این که شهر اردبیل که گردوخاک در هوا است، در نما بهتر است از عناصر گوشه‌دار استفاده نشود که گردوخاک زیاد به خود می‌گیرد. نما کثیف دیده می‌شود». «نماهای ترکیبی مدرن با مصالح متنوع که اکثراً از چوب استفاده می‌کنند؛ در اقلیم اردبیل رنگ چوب بعد از مدتی از بین می‌رود. این نوع نما بعد از چند سال کهنه می‌شود و از چشم آدم می‌افتد. بیشتر هم شبیه شرکت است تا خانه».	 نمای ترکیبی مدرن (شهرک آزادی)
سبک زندگی	مدگرایی	مد، دمده، به‌روز	«نرده فلزی در تراس دمده است و خانه را هم خفه نشان می‌دهد». «در نماهای مدرن از ظرافت خاص در نما استفاده می‌کنند و نمایی به‌روز و مد است».	 نمای مرمر (کارشناسان)؛ نمای ترکیبی مدرن (شهرک آزادی)
قوانین شهری	قوانین محدودکننده	تاریک، بی‌روح، خشن، مصنوعی، دلگیر، آشفته	«از شیشه رفلکس در نما بدم می‌آید؛ تاریک و بی‌روح است. حس خشن بودن دارد. انگاری طلا زرد است و رنگ آبی به آن بزنند؛ مصنوعی است». «پنجره‌های کوچک نما را دلگیر و آشفته نشان می‌دهد».	 نمای شیشه سرتاسری (شهرک آزادی)
	قطعه‌بندی	ناموزون، ضعیف	«در اردبیل ضعف در قطعه‌بندی زمین است که عرض قطعه‌ها کم است و به همین دلیل در طرح بنا هم تأثیر می‌گذارد. عرض کم آپارتمان‌های نما را ناموزون و ضعیف نشان می‌دهد».	 نمای سنگی (کارشناسان)
کیفیت بصری	کیفیت بصری مطلوب	منظم	«نمای متقارن جلوه فیزیکی نما را برجسته می‌کند و نما را منظم نشان می‌دهد».	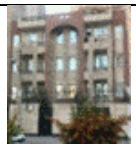 نمای ترکیبی مدرن (خیابان شهریار)
	کیفیت بصری نامطلوب	ساختگی، ناموزون، نامنظم، دلگیر	«طرح‌هایی که به نظر سازنده خیلی خلاقانه است، مثلاً مربع مربع یا تضاد زیادی دارد، ساختگی و ناموزون است». «پنجره نرده‌دار ترکیب نما را خراب می‌کند و از چشمنوازی نما می‌کاهد. نما را نامنظم و دلگیر می‌کند».	 نمای ترکیبی مدرن (شهرک آزادی)  نمای مرمر (شهرک آزادی)
سابقه ذهنی	طرحواره ذهنی	کلبه	«در نما تجسم من مثلاً کارتون خانواده دکتر ارنست است که کلبه چوبی می‌ساختند. بر همین اساس به طراح مهندس نما، چوب را تأکید می‌کردم که در طراحی نما استفاده کند. کارتون‌های دوران کودکی که بسیار ساده کلبه‌های چوبی بود با نماهای یکدست که برآمدگی و فرورفتگی‌اش زیاد نبود».	 نمای ترکیبی مدرن (شهرک آزادی)
	خاطره‌برانگیزی	خودمانی، جذاب،	«نمای سنتی، آن اصالت‌های قدیم که یادآور دوران کودکی است. به هر حال عناصری که در نمای سنتی استفاده می‌شود، طبیعتاً با آدم بیشتر ارتباط برقرار می‌کند. در معماری سنتی در نماهای آجری قدیم، لابه‌لای آجرها سیمان نبود. یک ماده سفید رنگی بود که با نماهای آجری الان متفاوت بود. آن‌طور نماها به گونه‌ای است که آدم حس می‌کند بسیار خودمانی تر است. احساس می‌کند که این خانه‌ها برای آدم امن است. بیشتر آدم را محو خودش می‌کند تا این که نما مدرن باشد، کامپوزیت باشد».	 نمای آجر سفالی (آزادگان)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]

مقوله	زیرمقوله	مفهوم	داده‌ها	نمونه‌های موردی
	تجربیات گذشته	مجتمع، تخت‌جمشید، معماری‌اروپا، خانه، آرامش	«نمای آجرسفالی بیشتر شبیه مجتمع است تا آپارتمان؛ چون قدیم به این شکل اجرا می‌کردند؛ مثل طرف ما چند مجتمع هست کـه بـا آجرسـفالی زرد کار شده است». «وقتی نمای رومی را می‌بینم یاد دربار و تخت‌جمشید می‌افتم. بـا دیـدن نماهای مدرن ترکیبی بیشتر یاد اروپا و معماری آنجا می‌افتم». «در آپارتمان‌ها بیشتر از نماهای آجرنما خوشم می‌آید. بیشتر حـس خانـه بودن را تداعی می‌کند. آجرنما می‌گوید: اینجا خانه است. اینجا آرامـش و راحتی دارد».	 نمای رومی (کارشناسان)  نمای آجرنما (خیابان شهریار)
رسانه‌ها	شبکه‌های اجتماعی	کپی برداری، ساختگی	«از اینترنت در انتخاب نما بیشـتر کمـک گـرفتم. در هـر مقطعـی نمـایی مـد می‌شود. در عرض یکسال مثلاً از نمای رومی نوع‌ها و طـرح‌هـای مختلفـی را می‌بینیم که کدام بهتر است. بعضی طرح‌هـا شـاید بـه نمـای سـاختمان شـما نخورد. اما از هر کدام قسمتی را ایده گرفته و استفاده کردیم. از نماهـای رومـی مختلف الگوبرداری شد. احساس می‌کنم که همان چیزی بود که می‌خواستم».	 نمای رومی (آزادگان)
وضعیت اجرا	اجرای مناسب	زنده	«موقع ساخت آپارتمانمان و اتمام آن مردم می‌گفتند: کوچـه‌مـان را زنـده کردید. یعنی حس زنده می‌دهد. سنگ عالی اجرا شد، نما زنده شد».	 نمای رومی (آزادگان)
	اجرای نامناسب	ناموزون، ناامن	«در نمای خانه ما سنگ گرانیت که به عنوان قاب دور پنجره نصب شـده است، تعدادی از سنگ‌ها از نما ریخته شده اسـت. خـوب نـزده‌انـد و نمـا ناموزون و بد شده است». «نمای ساختمان ما سنگی است. نمای سـنگی بـالاخره بعـد یـک مـدت ریزش دارد و حس امنیت نمی‌دهد».	 نمای مرمر (شهرک آزادی)

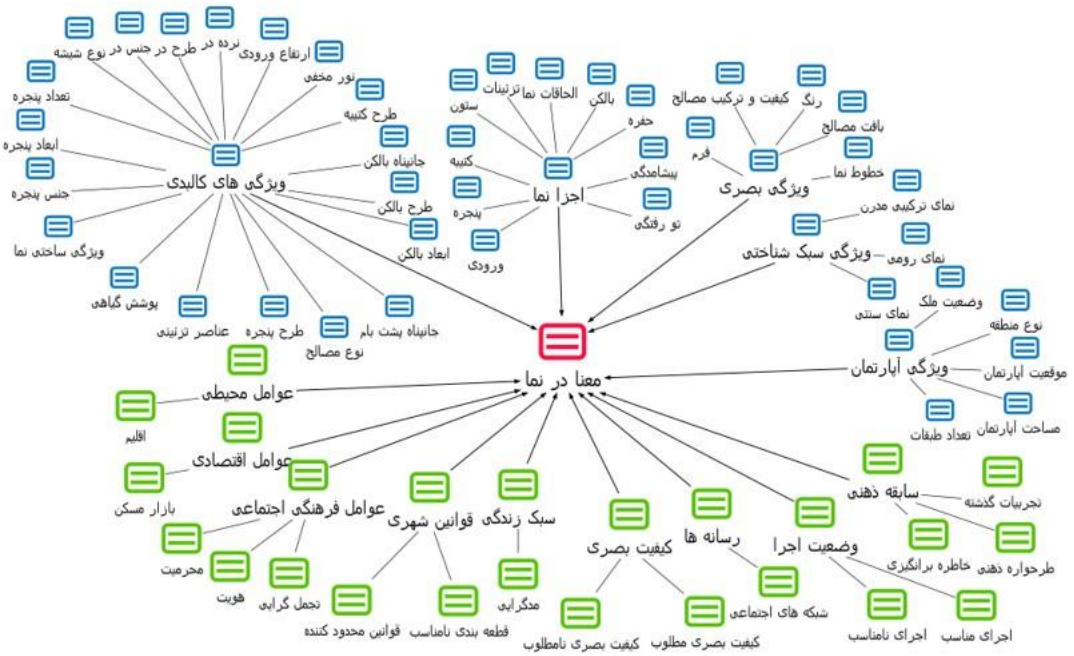

تصویر ۳- عوامل سازنده معنا در نما حاصل از کدگذاری محوری در نرم‌افزار مکس‌کیودا

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]



تصویر ۴- عوامل سازنده معنا در نما بصورت مجزا در نرم‌افزار مکس‌کیودا

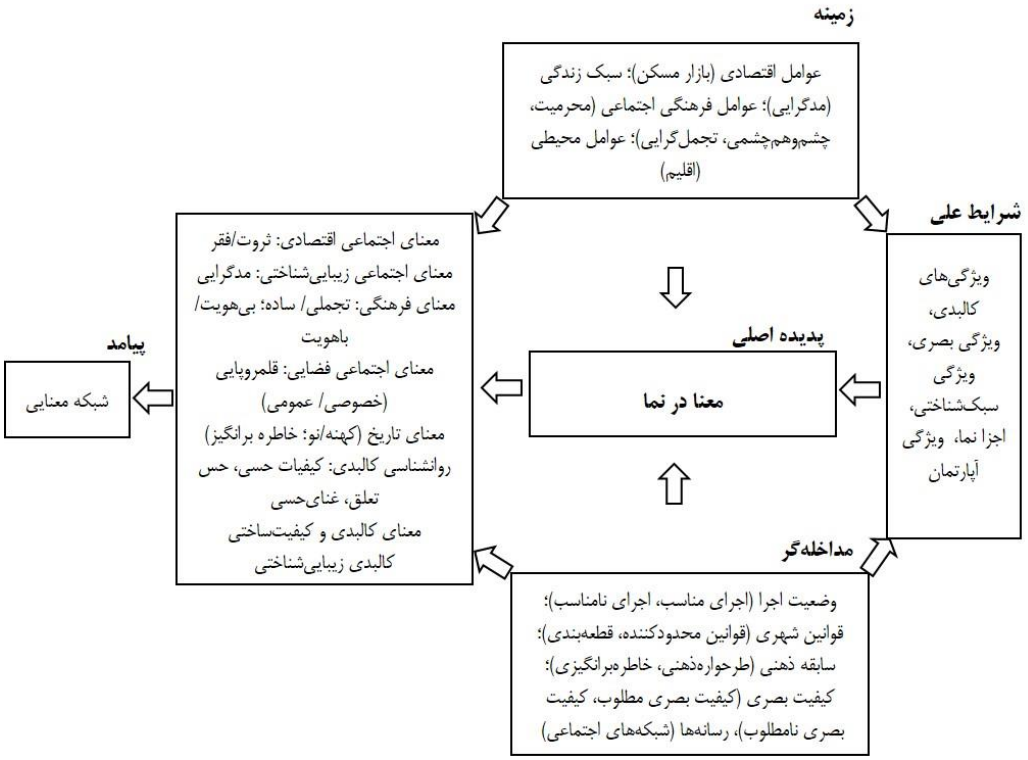

تصویر ۵- مدل پارادایمیک معنا در نما

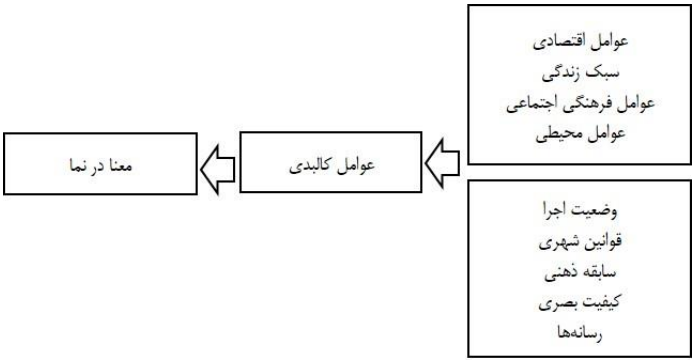

تصویر ۶- مدل مفهومی معنا در نما

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]

اعتباریابی مدل مفهومی

با استفاده از برداشت اطلاعات میدانی در مصاحبه‌ها، مدل مفهومی معنا در نما استخراج شده است. در واقع، به نوعی تئوری چگونگی درک معنایی ساکنان مورد مطالعه از نماهای آپارتمان‌های مسکونی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. در این بخش از پژوهش، مدل و نظریه مورد بررسی مورد آزمایش قرار گرفته است.

برای آزمایش نظریه از پیمایش پرسشنامه‌ای به صورت کمی استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا ۳۱ پرسش ساختاریافته از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت طراحی و تدقیق شد و بین شهروندان در نمونه مورد مطالعه توزیع شد. فرایند توزیع به گونه‌ای بود که ابتدا ۳۰ پرسشنامه به عنوان پایلوت توزیع شد و بر مبنای آن با استفاده از تعیین مقدار آماره‌های p و q در فرمول کوکران و همچنین حجم جامعه، تعداد نمونه‌های اصلی که برابر ۱۰۰ پرسشنامه بود، بدست آمده است.

در مرحله بعد به منظور دستیابی به پایایی پرسشنامه، از آماره آلفای کرونباخ استفاده شده است. همانطور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، مقدار آلفای کرونباخ برای ۳۱ پرسش تحقیق برابر ۰/۷۷۵ می‌باشد که با توجه به این امر که این عدد بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که پایایی تحقیق مورد مطالعه را به اثبات رسیده است.

جدول ۴- میزان پایایی پژوهش Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
.775	31

در مرحله بعد، به منظور بررسی مدل زمینه‌ای تحقیق از آزمون همبستگی برای بررسی ارتباط بین عوامل زمینه‌ای، مداخله‌گر، کالبد و معنا استفاده شده است. لازم به ذکر است که برای هر یک از این متغیرها با توجه به زیر متغیرهای آن پرسش‌های مجزایی در پرسشنامه در نظر گرفته شده است. جدول ۵ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۵- نتایج آزمون همبستگی متغیرهای استخراج شده از مدل زمینه‌ای تحقیق

		زمینه	مداخله‌گر	کالبدی	معنا
زمینه	Pearson Correlation	1	.581**	.325**	.712**
	Sig. (2-tailed)		.000	.001	.000
	N	100	100	100	100
مداخله‌گر	Pearson Correlation	.581**	1	.414**	.772**
	Sig. (2-tailed)	.000		.000	.000
	N	100	100	100	100
کالبدی	Pearson Correlation	.325**	.414**	1	.848**
	Sig. (2-tailed)	.001	.000		.000
	N	100	100	100	100
معنا	Pearson Correlation	.712**	.772**	.848**	1
	Sig. (2-tailed)	.000	.000	.000	
	N	100	100	100	100

*p<0.05 و **p<0.01 **. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود بین همه چهار متغیر اصلی تحقیق رابطه معنی داری وجود دارد. در واقع مقدار سطح معنی‌داری[۱۷] وجود و یا عدم وجود رابطه را نشان می‌دهد و ضریب همبستگی پیرسون شدت رابطه را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است که قوی‌ترین رابطه موجود بین متغیر کالبدی و زمینه‌ای است. مقدار ضریب همبستگی برای این رابطه برابر ۰/۸۴۸ است که نشان از شدت بالای این رابطه است. با توجه به مثبت بودن این رابطه، نوع این رابطه مستقیم است. در درجه بعدی، می‌توان بیان کرد که رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای با ضریب همبستگی ۰/۷۱۲ قوی می‌باشد. در واقع، بنابر داده‌های بدست آمده می‌توان بیان کرد که با ۹۵ درصد اطمینان رابطه‌ای قوی و مستقیم بین عوامل زمینه‌ای و معنایی وجود دارد. رابطه بین عوامل مداخله‌گر و زمینه‌ای نیز با ضریب همبستگی ۰/۵۸۱ نسبتاً قوی است و با توجه به این امر می‌توان اذعان کرد که عوامل مداخله‌ای و زمینه‌ای نیز با هم رابطه دارند. در نهایت، رابطه بین عوامل مداخله‌گر و کالبدی نیز با ضریب همبستگی ۰/۴۴۱ متوسط و مستقیم بدست آمده است. در جمع‌بندی کلی، مدل مفهومی معنا در نما به طور قوی تأیید شده است و صحت اعتبار آن به دست آمده است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]

یافته‌های تحقیق

اجزا نما و ویژگی‌های کالبدی و سبک‌شناختی نما و آپارتمان، معنادارند و شناسایی این معناها، عوامل سازنده آنها را مشخص می‌کند. عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر بر معنای نما تأثیر گذاشته‌اند. نما به عنوان جزئی از معماری، انعکاسی از فرهنگ جامعه است و بالطبع معنای نماست. یکی از عوامل معنادهی نما، عامل فرهنگی اجتماعی است. ساکنان در اظهارات خود، مفاهیمی مانند: تجملات، خودنمایی را بیان کرده‌اند. این مفاهیم به نقش عوامل فرهنگی در معنادهی نما اشاره داشته است. در برخی موارد ساکنان در توصیف نمای آپارتمان به معناهایی نظیر: اصیل یا غیراصیل پرداخته‌اند و به عوامل هویت‌ساز نما اشاره داشتند. عامل دیگر در معنادهی نما از دیدگاه ساکنان، محرمیت است. فرهنگ و تمدن هر سرزمین، عمیقاً از اعتقادات آن متأثر بوده و این تفکر همواره عینیت کالبدی خود را در معماری تجلی بخشیده است. درونگرایی در معماری ایران تنها به عنوان ضرورت اقلیمی مطرح نبوده است؛ بلکه برای حفظ حریم شخصی کاربران بوده است. حفظ حریم شخصی کاربران در معماری ایرانی از گذشته بوده است که علاوه بر طراحی داخلی در نمای بناها هم مشهود است. مصون بودن فضاهای داخلی مسکن به عنوان محل امن و آرامش خانواده بایستی به گونه‌ای مناسب، از مشرف قرار گرفتن در امان بماند. شاید عده‌ای نصب کاور بالکن یا پنجره‌های کوچک در ارتفاع و امثالهم را راه‌حل مناسبی برای تأمین محرمیت و مصون بودن از اشراف بدانند؛ اما باید توجه کرد که این روش‌ها، روش‌هایی تدافعی و موردی هستند که منجر به ایجاد نمای ناموزون می‌شوند. ساکنان در مواردی به تأثیر الحاقات نما همچون کاور یا پنجره بالکن و تأثیر آن در آلودگی بصری نما اشاره داشته‌اند.

تغییرات فکری و نگرش آدمی در دوره‌های مختلف تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژیکی در مکان‌های متفاوت جغرافیایی، منجر به اختیار کردن روش و سبک های مختلف زندگی گردیده است و این خود عامل مهمی در تغییر مداوم کالبد خانه و بالطبع نما است. تحولات تکنولوژیکی و گسترش استفاده از فناوری‌های ارتباطی نظیر: اینترنت،.. تعاملات با دنیای مدرن موجب تغییر سبک زندگی مردم شده است. ساکنان در اظهارات خود به معناهایی نظیر: به‌روز، مدودمده بودن نماها اشاره داشتند. این معناها به سبک زندگی و تأثیر آن در نما اشاره داشته است. طراحی نما همواره از عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اقلیمی تأثیر پذیرفته است. در این میان، قوانین شهری نقش مهمی در ساختار نما و معنابخشی آن دارد. ضوابط طراحی نما مطابق فرهنگ و اعتقادات هر کشوری تدوین می‌شود که در برخی موارد اعمال قوانین، موجب محدودیت در طراحی نما می‌شود. این قوانین محدودکننده در برخی موارد منجر به کیفیت بصری نامطلوب از دیدگاه ساکنان در نماهای آپارتمان مسکونی شده است. ساکنان با توصیف عوامل کالبدی، نظیر: پنجره کوچک یا شیشه رفلکس، پنجره نرده‌دار معنای نمای آپارتمان مسکونی را سرد، تاریک و بی‌روح ارزیابی کرده‌اند. از دیگر عوامل مهم معنادهی نما، عرض قطعات زمین است. اراضی شهری برای تخصیص کاربری‌های مختلف به قطعاتی تفکیک می‌شود. در ایران بیشتر این قطعات به صورت مربع یا مستطیل هستند. تناسبات این قطعات نقش مؤثری در طراحی داخلی و نمای بنا به خصوص در عرصه مسکونی دارند. در اردبیل قطعات در بخش مسکونی با عرض ۱۰-۱۲ متر و به صورت کم‌عرض در نظر گرفته شده است و همین امر موجب محدودیت طراحان و قدرت مانوردهی آنها در طراحی نما شده است. معناهایی نظیر: ناامن، ضعیف، ناموزون که ساکنان در مصاحبه به آنها اشاره داشتند، به این زمینه پرداخته است. وضعیت اجرایی بنا، عامل دیگر معنابخشی نماست که به دو صورت مطرح شده است. در صورت استفاده از عوامل اجرایی متخصص و آموزش‌دیده، اجرای نمای بنا باکیفیت می‌شود. در صورت عدم استفاده از نیروی متخصص اجرا و کیفیت نمای بنا ضعیف و بی‌کیفیت می‌شود. کیفیت اجرایی نما عامل مهمی در معنابخشی نما است و همین امر منجر به انتصاب معنای ناموزون یا تمیز و معنای امن یا ناامن یا ضعیف و قوی به نما توسط ساکنان شده است.

یکی از مهمترین واکنش مشارکت‌کنندگان در توصیف نما، ارزش اقتصادی نما بوده است. ساکنان در مصاحبه به معناهایی نظیر: ارزان، گران، ارزشمند و بی‌ارزش اشاره داشتند. عامل دیگر معنادهی نما، کیفیت بصری نما است که به صورت مطلوب یا نامطلوب مطرح شده است. مطلوبیت کیفیت بصری نما که از تعامل مطلوب میان انسان و محیط از جمله نمای آپارتمان مسکونی حاصل می‌شود؛ در احساس، ادراک و بازنمایی پدیده‌ها و عناصر در عرصه ذهنی انسان تأثیری غیرقابل انکار دارد. به نظر می‌رسد این امر به نقش این عناصر در شناسایی، درک ساختار و یافتن معنی ویژه از عناصر بصری و نحوه قرارگیری آنها در نما بازمی‌گردد. ساکنان آپارتمان‌های مسکونی با نصب الحاقات و حفاظهایی برای محدوده بالکن جهت شخصی‌سازی فضا و به دلیل برودت هوای اردبیل، منجر به آلودگی بصری در مقیاس معماری می‌شوند. مصالح ناهماهنگ، ترکیب رنگی نامناسب نما و استفاده از الحاقات و عناصر اضافی توسط شهروندان منجر به آلودگی بصری نما می‌شود. ساکنان در برخی موارد در توصیف نما به ویژگی بصری نما، مانند: مصالح و ترکیب رنگی هماهنگ یا ناهماهنگ نما اشاره داشتند و معناهایی نظیر: هماهنگ یا ناهماهنگ، جذاب یا غیرجذاب را بیان کرده‌اند. عوامل محیطی، از دیگر عوامل معنادهی نماست. از عوامل محیطی تأثیرگذار در معنای نما، اقلیم است. عوامل اقلیمی هر منطقه‌ای از عوامل تعیین‌کننده در جهت‌گیری و کیفیت معماری بناهای آن منطقه است. ویژگی‌های اقلیمی و منحصر به فرد هر منطقه‌ای باعث شکل‌گیری

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]

نماهای مختص آن منطقه می‌شود. نوع مصالح و فرم بنا، به عنوان دو عامل مهم تأثیرپذیر از اقلیم و به عنوان عامل معنابخش در نما، توسط مصاحبه‌شوندگان مطرح شد. با توجه به اقلیم اردبیل و خصوصاً سردی و گردوخاک موجود در هوا، به عنوان دو عامل مهم در کثیف یا فرسوده دیده شدن نما مطرح شده است که تعدادی از ساکنان به آن اشاره نموده‌اند. برخی از ساکنان به خاصیت گرمابخشی ترموچوب و آجرنما اشاره داشتند؛ اما به دلیل اقلیم سرد اردبیل و آسیب‌پذیری این مصالح، آنها را نامناسب ارزیابی نموده‌اند. رسانه‌ها، عامل دیگر معنادهی نماست. رشد روزافزون تکنولوژی و وسائل ارتباط جمعی همچون شبکه‌های مختلف اجتماعی موجب افزایش آگاهی مردم و ترجیحاتشان شده است که موجب تغییرات در ساخت‌وساز و معنای نماهای آپارتمان‌های مسکونی شده است.

یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در معنادهی نما، سابقه ذهنی افراد است که در قالب زیرمقوله‌های طرحواره‌ذهنی، خاطره‌برانگیزی و تجربیات گذشته مطرح شده است. ساکنان در توصیف نما، به فضاهایی نظیر: تورفتگی ورودی، پوشش گیاهی، در طرحدار در قسمت ورودی اشاره داشتند. در شرح این فضاها، به مفاهیمی نظیر: حریم شخصی، حس دعوت‌کننده، زندگی، انرژی را بیان داشتند. این اجزا و ویژگی نما، امکان حس تعلق را برایشان فراهم آورده است. سابقه ذهنی افراد در معنابخشی و ایجاد حس تعلق این فضاها مؤثر بوده است. طرحواره‌ها به اطلاعات خام ذهنی معنا می‌بخشند. طرحواره‌های ذهنی از طریق فعالیت‌ها و تجارب فردی و اجتماعی فرد و در اثر تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند. طرحواره‌های ذهنی اشخاص در مواجه با نمای بنا در ذهنشان شکل می‌گیرد و به آنها معناهایی می‌دهند. این معناها، در ترجیحات مردم نسبت به نما تأثیرگذار است. برخی از ساکنان در مواجهه با نمای ترکیبی مدرن، به توصیف مصالح چوبی و تأثیر آن در تداعی کلبه در ذهنشان پرداخته‌اند. چوب، یادآور خانه دوران کودکی است که در ذهنشان بصورت کلبه ثبت شده است. بعضی از مشارکت‌کنندگان به تأثیر تماشای کارتون‌های دوران کودکی در شکل‌گیری این ذهنیت اشاره داشتند. برای برخی از ساکنان، بالکن مسقف شیبدار، یادآور خانه کلبه‌ای دوران کودکی است که به عنوان طرحواره ذهنی از نمای خانه در ذهنش شکل گرفته است. برای برخی از ساکنان چوب به عنوان نمودی از طبیعت در نمای خانه‌شان بود و حس طراوت و تازگی داشت. همان‌طور که به اعتقاد راپاپورت، ذهن انسان با استفاده از طبقه‌بندی اشکال و انگاره‌ها، طرحواره‌هایی را به وجود می‌آورد که بر اساس همین طرحواره‌ها به جهان اطراف خود معنی می‌دهد. از طرفی، وی معتقد است که دسته‌بندی‌های ذهنی و ساخت طرحواره‌ها متأثر از فرهنگ افراد است؛ یعنی انسان بر اساس فرهنگ خود، به اشیا و پدیده‌ها اهمیت داده و بر اساس معانی که برای آنها قائل است؛ آنها را در ذهن خود طبقه‌بندی می‌کند (راپاپورت، ۱۳۹۲). زیرمقوله بعدی، خاطره‌برانگیزی است. برخی از ساکنان به توصیف ویژگی نمای خانه مطابق با آنچه در ذهنشان و به صورت خاطره ثبت شده بود، پرداختند. در برخی موارد، معنای نمای خانه در ذهنشان، نمای خانه سنتی گذشته بود که از کودکی به صورت خاطره در ذهنش ثبت شده است. ساکنان در شرح خاطرات خود به مواردی نظیر: نماهای سیمانی آینه‌کاری شده، نماهای آجرنما و جلوه‌های پنجره‌های چوبی و قوسی شکل با شیشه‌های ارسی و نقشدار اشاره داشتند. از دیگر زیرمقوله‌های سابقه ذهنی، تجربیات گذشته است. این تجربه‌ها، باعث ایجاد معانی و تصاویر گوناگون از نماها در ذهن انسان می‌شود که این معانی به نما حس مکان و هویت می‌دهد. در برخی موارد تجارب ذهنی افراد در دریافت معنای نما مشترک می‌باشد. به عنوان مثال نمای کامپوزیت در ذهن افراد، معنای نمای شرکت را تداعی کرده است. این نماها با توجه به کاربرد مصالح در کاربری بنا به عنوان تجربه ذهنی در ذهن ساکنان شکل گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به تبیین مدل مفهومی معنای نماهای آپارتمان‌های مسکونی اردبیل توسط ساکنان پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد اجزا نما، ویژگی‌های کالبدی و سبک‌شناختی، ویژگی آپارتمان منجر به تجربه خاصی از معنا در ساکنان می‌شود. ساکنان در توصیف نمای آپارتمان مسکونی خود با توجه به عوامل ذکر شده، به معناهایی نظیر: بااصالت، هماهنگ، دلگیر، ارزان، غیره و مواردی از این قبیل اشاره کرده‌اند که منجر به شناسایی عوامل مؤثر در معنادهی نما شده است. این عوامل شامل عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر می‌باشد که در مصاحبه با ساکنان استخراج شده است و بصورت مدل مفهومی ارائه شده است. طراحی نما همواره از عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اقلیمی تأثیر پذیرفته است. در این میان، قوانین شهری نقش مهمی در ساختار نما دارد. این مسئله در تعیین ابعاد عناصر نما و معنای حاصل از آنها تأثیرگذار است. در اکثر نقاط ایران به خصوص اردبیل، قطعات کم‌عرض موجب محدودیت طراحان در طراحی نما و عامل تأثیرگذار در معنادهی نما می‌باشد. نما به عنوان جزئی از معماری، انعکاسی از فرهنگ جامعه است. چشم‌وهم‌چشمی، تفکر لاکچری و تجمل‌گرایی منجر به تغییر سبک زندگی شهروندان در کلیه امور زندگیشان شده است. در این پژوهش اکثر مشارکت‌کنندگان به اهمیت بالای عوامل فرهنگی در معنای نما اشاره داشتند. تغییرات فکری و نگرش آدمی در دوره‌های مختلف در مکان‌های متفاوت جغرافیایی، منجر به اختیار کردن سبک‌های مختلف زندگی شده است و این خود عامل مهمی در تغییر مداوم کالبد خانه و بالطبع نما است. درونگرایی در معماری ایران علاوه بر بحث اقلیمی، برای حفظ حریم شخصی کاربران بوده است. مصون بودن فضاهای داخلی مسکن به عنوان محل امن و آرامش خانواده بایستی به گونه‌ای مناسب، از مشرف قرار گرفتن در امان بماند. شاید عده‌ای نصب کاور یا پنجره در بالکن را راه‌حل

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]

مناسبی برای تأمین محرمیت و مصون بودن از اشراف بدانند؛ اما باید توجه کرد که این روش ها، منجر به ایجاد نمای ناموزون می‌شوند. یکی دیگر از مؤلفه‌های معنادهی نما عوامل اقتصادی است که مشارکت‌کنندگان به اهمیت مؤلفه اقتصادی تأکید داشتند. سابقه ذهنی فرد به صورت طرحواره ذهنی، تجربیات گذشته و خاطره‌برانگیزی در شکل‌گیری معنای نما مؤثر می‌باشد. بعضی از این مفاهیم از کودکی در شکل ذهن گرفته و در برخی مواقع تداعی خاطره یا تجربه‌ای از تصاویر ذهنی است که در ذهن مشارکت‌کنندگان بروز می‌کند. ساکنان آپارتمان های مسکونی با نصب الحاقات و حفاظ‌هایی برای محدوده بالکن جهت شخصی‌سازی فضا و به دلیل برودت هوای اردبیل، منجر به آلودگی بصری در مقیاس معماری می‌شوند که همین امر به کیفیت بصری نما هم تأثیرگذار است. شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در افزایش آگاهی شهروندان و دخالت آنها در امر طراحی و بالطبع در معنای نما است. وضعیت اجرایی نمای بنا نیز در مطلوبیت یا نامطلوبیت کیفیت بصری نما مؤثر است.

با توجه به یافته‌های بدست آمده از تحلیل همبستگی و تحلیل کمی، می‌توان بیان نمود که روایی مدل مفهومی و روابط عوامل آن به طور کلی مورد تأیید قرار گرفته است. مدل مفهومی پیشنهادی برای نماهای آپارتمان‌های مسکونی اردبیل که در مصاحبه با ساکنان استخراج شده است می‌تواند به عنوان الگویی مورد استفاده طراحان قرار گیرد تا تنها به دریافت‌های شخصی خود اکتفا نکرده و این مسئله به طراح این امکان را می‌دهد که با بهره‌گیری از فرم مطلوب و عناصر نما و مفاهیم و ذهنیات استفاده‌کنندگان طرح‌هایی متناسب ارائه داده و موجب پذیرش و علاقه بیشتر آن‌ها از نماهای آپارتمان‌های مسکونی باشد. از آنجا که جامعه آماری این پژوهش ساکنان بودند، پیشنهاد می‌گردد مدل مفهومی معنای نماهای آپارتمان‌های مسکونی اردبیل در گروه‌های مختلف مردم با دسته‌بندی خاص سنی، تحصیلاتی، .. به صورت مجزا مورد تحلیل قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود مدل مفهومی معنای نماها برای سایر کاربری‌ها نیز استخراج شده و مورد مقایسه تطبیقی با آپارتمان‌های مسکونی قرار بگیرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Facade
2. Facies
3. Face
4. Grounded Theory
5. Kevin Lynch
6. Ian Bentley
7. Matthew Carmona
8. Edward C Relph
9. Christian Norberg-Schulz
10. Irwin Altman
11. Helmar Frank
12. Michael Tribe
13. Amos Rapoport
14. Lynne C Manzo
15. Robert Stern
16. Geoffrey Broadbent
17. Sig

منابع

– استراس، آ.، و کوربین، ج. (۱۳۹۳). اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه مبنایی، رویکردها و روش‌ها، مترجم: بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

– بنتلی، ا.، الکک، آ.، مورین، پ.، گلین سو، م.، و اسمیت، گ. (۱۳۹۵). محیط‌های پاسخده، مترجم: مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

– برادبنت، ج. (۱۳۸۸). با برادبنت؛ درباره معماری، مترجم: حمید ندیمی، نیلوفر رضوی، هدیه نوربخش، کیوان جورابچی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

– پاکزاد، ج.، و بزرگ، ح. (۱۳۹۳). الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، انتشارات آرمانشهر، تهران.

– پاکزاد، ج. (۱۳۸۲). پدیدارشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی و سیر تکوینی توقعات از آن، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، (۱۴): ۵۱-۶۲.

– پورجعفر، م.، و علوی بالمعنی، م. (۱۳۹۱). ویدئواکولوژی؛ بوم‌شناسی بصری در معماری و طراحی شهری، انتشارات آرمانشهر، تهران.

– توسلی، م. (۱۳۷۶). اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، جلد اول، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

– خاک‌زند م.، محمدی م.، جم ف.، و آقابزرگی، ک. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل مؤثر بر طراحی بدنه‌های شهری با تأکید بر ابعاد زیبایی‌شناسی و زیست‌محیطی (مطالعه موردی: خیابان ولی‌عصر شهر قشم)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، (۱۰): ۱۵-۲۶.

– دهخدا، ع. (۱۳۴۵). لغت‌نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. تهران.

– راپاپورت، ا. (۱۳۹۲). معنی محیط ساخته‌شده؛ رویکردی در ارتباط غیرکلامی، مترجم: فرح حبیب، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]

– سالینگروس، ن. ا. (۱۳۸۷). یک نظریه معماری، مترجم: سعید زرین مهر، زهیر متکی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
– سلطانی، م. (۱۳۹۱). معنا، الگو و مطلوبیت در فضای معماری، رساله دکتری تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تهران، استاد راهنما: دکتر احمد علی فرزین، استاد مشاور: دکتر سید امیر منصوری.
– فیلیک، ا. (۱۳۹۴). درآمدی بر روش تحقیق کیفی، مترجم: هادی جلیلی، انتشارات نی، تهران.
– کارمونا، م. هیت، ت.، و تیسدل، ت. (۱۳۹۴). مکان‌های عمومی فضاهای شهری؛ ابعاد گوناگون طراحی شهری، مترجم: فریبا قرائی، مهشید شکوهی، زهرا اهری، اسماعیل صالحی، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
– کریر، ر. (۱۳۷۶). اجزای معماری، مترجم: زهرا اهری، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
– کریر، ر. (۱۳۸۰). گونه‌شناسی عناصر پایه در معماری. مترجم: عباسعلی شاهرودی، احمد خوشنویس، انتشارات سایه‌گستر، قزوین.
– گروت، ل.، و وانگ، د. (۱۳۹۴). روش‌های تحقیق در معماری، مترجم: علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
– گروتر ی.، ک. (۱۳۹۰). زیبایی‌شناسی در معماری، مترجم: جهانشاه پاکزاد، عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
– لاوسون، ب. (۱۳۹۴)، زبان فضا، مترجم: علیرضا عینی‌فر، فؤاد کریمیان، انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
– لنگ، ج. (۱۳۸۶). آفرینش نظریه معماری. نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، مترجم: علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
– لک، آ. (۱۳۹۳). کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های طراحی شهری، نشریه علمی پژوهشی صفه، (۶۴): ۴۳-۶۰.
– لینچ، ک. (۱۳۹۵). سیمای شهر، مترجم: منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
– معماریان، غ. (۱۳۹۳). مبانی طراحی معماری، انتشارات نغمه نواندیش، تهران.
– معین، م. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی یک جلدی، نشر سرایش، تهران.
– نسبیت، ک. (۱۳۹۴). نظریه‌های پسامدرن در معماری، مترجم: محمدرضا شیرازی، نشر نی، تهران.
– نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۹۴). روح مکان؛ به سوی پدیدارشناسی معماری، رخداد نو، تهران.
– نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۹۵). گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان، مترجم: ویدا نوروز برازجانی. انتشارات پرهام نقش، تهران.
– وینترز ا.، راس کلی ا.، و کوپر، ک. (۱۳۷۹). مبانی فلسفی و روان‌شناختی ادراک فضا، مترجم: آرش ارباب جلفایی، نشر خاک، اصفهان.
– هاریس س. م. (۱۳۹۳). فرهنگ تشریحی معماری و ساختمان، مترجم: محمدرضا افضلی، مهرداد هاشم زاده همایونی، انتشارات دانشیار، تهران.
- Altmnan, I., & Law, S. (1992). Human behavior and environments: Advances in theory and research. Volume 12: Place attachment, Plenum Press, New York.
- Belk, R. (2007). Handbook of qualitive research methods in marketing. Edward Elgar Publication, Cheltenham.
- Hershberger, R. (1980). A study of meaning and architecture. Institue for Environmental Studies. University of Pennsylvania.
- Hollander, J. B., & Anderson, E. C. (2020). The impact of urban facade quality on affective feelings. International Journal of Architectural Research. 14 (2), 219-232.
- Imamoglo, C. (2000). Complexity, preference and familiarity: Architecture and nonarchitecture Turkish students' assessments of traditional and modern house facades. Journal of Environmental Psychology. (20), 5-16.
- Kropf, K. (1996). Urban tissue and the character of towns. Journal Urban design International. (1), 247-263.
Lee. J. H., & Ostwald, M. J. (2021). Fractal dimension calculation and visual attention simulation: assessing the visual character of an architectural facade. Jouranal of Building. (11), 1-22.
- Manzoo, L. C. (2005). For better or worse: Exploring multiple dimensions of place meaning. Journal of Environmental Scychology, (25), 67-86.
- Moughtin, C., Taner, Oc., & Tiesdell, S. (1995). Urban design: green dimensions. Butterworth Architecture Press, Great Britain.
- Moughtin, C., & Tiesdell, S., & OC, T. (1999). Urban design: Ornament and Decoration. Second Edition, Oxford, Architectural Press.
- Mutlu Danaci, H., & Kiran, G. (2020). Examining the factor of color on street facade in contex of the perception of urban aesthetics: Example of Antalya. International Journal of Curriclum and Instruction, (12), 222-232.
- Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. Journal of Environmental Psychology, (30), 1-10.
- Tribe M. (1974). Stadtgestaltung Theorie and Praxis, English Edition. Bertelsmann.
- Whyte, W. (2006). How Do Buildings Mean, Some Issues of Interpretation In The History of Architecture. Journal of History and Theory, (45), 153-177.
- Yammiyavar, A. P., & Roy, M. (2019). Influence of visual elements in building facades in the formation of expreiential perception. In Research Into Design For A Connected World. Springer.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]

A conceptual model of facades meaning in the residential apartments from the viewpoint of residents (Case Study: Ardabil City)

Masumeh Alamrasi, *Ph.D. Student of Architecture, Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.*
Ghasem Motalebi, *Associate Professor, Department of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.*
Manouchehr Foroutan, *Assistant Professor, Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. (m.foroutan@iauh.ac.ir)*
Sara Jalalian, *Assistant Professor, Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.*

Received: 2021/4/26 Accepted: 2021/8/3

Extended abstract
Introduction: The facade of a building is the essential element expressed by architecture. It has a significant impact on the viewer's sensation and perception. The facade is the first component that people see when looking at a building, and they continuously "experience" it as they approach the building. Most studies about building facades have an urban planning approach to this subject, and it has not seen much scholarly attention from the perspective of architecture. Considering that there is no specific theory or model about the meaning of facades in architecture and since contextual factors such as culture, social conditions, and economic status affect the meaning of facades, the grounded theory was used to conduct this study.
Methodology: This research use a mixed method. The qualitative part was performed using the grounded theory. The required data were collected using in-depth semi-structured interviews with the residents of Ardabil City. The sample population consisted of 25 individuals (16 women and nine men) who lived in residential apartments in Ardabil. Both physical characteristics (the geographical location, number of floors, and style of the buildings) and non-physical characteristics (the residents' age and duration) constituted the selection criteria. The possibility of direct communication with the residents and performing spatial analysis were among the control criteria for choosing the sample population. The collected data were analyzed using the MAXQDA software, and the results were used to develop a conceptual model. The quantitative part was performed using correlation analysis. The data collection tool was a researcher-made questionnaire the validity and reliability of which were thoroughly examined. A total of 31 structured questions were posed to the citizens for testing the variables, and the conceptual model's validity was subsequently established.
Results: In describing the appearance of their residential apartments, the participants used such terms as authentic, harmonious, grim, cheap-looking, which were used to identify the factors that determine the meaning of facades and develop a conceptual model. Facade design is influenced by cultural, economic, political, and climatic factors. Urban regulations and land lots with small widths tend to limit designers. Social networks have increased public awareness, and the resulting changes in people's attitudes necessitate the adoption of different lifestyles and constant changes in building facades. Adhering to the principle of introversion in the Iranian architecture, installing covers and windows in the balconies to ensure privacy was found to have resulted in unbalanced facades and visual pollution, affecting the visual quality of the studied facades. Alongside construction, quality is also influential in shaping the meaning of a facade.
Conclusion: This research shows that facade components, physical and stylistic features, and apartment characteristics collectively lead to a unique experience of the meaning of the facade. Correlation analysis and quantitative analysis confirmed the validity of the conceptual model and the relationships of its factors. Designers can use this model to go beyond their perceptions and produce attractive and accepted designs by using desirable forms and facade components and considering the users' mindsets. Since the sample population of this study consisted of the residents of Ardabil, it is suggested that this conceptual model be applied to different groups of people of various ages and education and be analyzed separately for each group.
Keywords: meaning of facade, residential apartments of Ardabil, grounded theory, façade.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.9.36.11.3]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.36.11]